



درس فارح فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح - فصل فی اولیاء العقد

تاریخ: ۲۸ شهریور ۱۴۰۸

موضوع جزئی: مسئله ۱۰ - سخن آغازین: برتری گفتگوی علمی بر عبادت و جهاد

مصادف با: ۷ ربیع الثانی ۱۴۴۸

سال نهم

جلسه: ۱

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

امروز اولین روز شروع درس‌ها در سال تحصیلی جدید است؛ طبق سنت مألوف و از باب تیمن و تبرک به ساحت نورانی اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و کلمات آنها تمسک می‌جوییم و درس خودمان را با کلمات نورانی آن حضرات شروع می‌کنیم. برای اینکه هم این درس نورانیت پیدا کند و هم نور وجود آن حضرات و کلمات و سخنان آنها چراغ راهی برای ما باشد تا ان شاء الله این راه را با قوت و قدرت بیشتر ادامه دهیم، علی‌رغم همه مشکلات و سختی‌هایی که طلاب و فضلاء محترم با آن دست و پنجه نرم می‌کنند؛ هر سال که می‌گذرد، موانع برای تحصیل به حسب ظاهر بیشتر می‌شود. به هر حال ممکن است مشکلات زندگی، سختی‌ها و گرفتاری‌ها خدای نکرده اراده‌ها را سست کند و عزم‌ها را از جزمیت خارج کند و در این میان شیطان هم وارد شود و با وسوسه و تردید و شک، ما را از ادامه مسیر باز بدارد. اینها می‌تواند رهن باشد؛ می‌تواند در این مسیر که پیش آمده‌ایم و به اینجا رسیده‌ایم، خدای نکرده خللی در حرکت ما ایجاد کند و از ادامه این مسیر باز بمانیم. بنابراین حداقل در آغاز سال تحصیلی، تأکید بر اهمیت این مسیر و راه و حرکت در آن که با شرایط خودش تضمین سعادت دنیا و آخرت را در پی دارد، با این کلمات نورانی کارمان را شروع کنیم و از آن ارواح طیبه استمداد می‌جوییم که دستگیر همه ما باشند؛ مهم‌تر از دستگیری در زندگی مادی، دستگیر ما در حیات معنوی باشند. حیات معنوی که خودش شعب و شئونی دارد، خیلی مهم است؛ آن حیات، حیات جاودان است؛ آن حیات، حیات طیبه است و مرتبه و جایگاه ما را در سرای آخرت معلوم می‌کند.

من تنها به یک روایت از رسول گرامی اسلام (ص) اکتفا می‌کنم؛ مرحوم علامه مجلسی در بحار این روایت را نقل کرده است؛ ملا احمد نراقی هم در معراج السعاده و در باب چهارم شرافت و فضیلت علم نقل کرده است. من اینجا توصیه می‌کنم که حتماً کتب اخلاقی مثل جامع السعادات، معراج السعاده، کتاب چهل حدیث امام (ره)، اینها را در دسترس داشته باشید و هر از گاهی مراجعه کنید؛ مهم‌ترین مسئله در اینکه انسان در مسیر حرکت خودش استوار باشد، تذکار است. به هر حال از صبح تا شب خیلی صوارف برای انسان پیش می‌آید؛ اموری که ذهن و توجه ما را منحرف کند به چیزهایی که نباید منحرف شود. مراجعه به این کتب به عنوان مذکر و اینکه انسان همیشه به یاد بیاورد و او را متذکر شود که کجا می‌خواهد برود و چه سرا و خانه‌ای در انتظار اوست، همیشه باید در ذکر انسان باشد.

از رسول خدا (ص) نقل شده که خطاب به اباذر فرمود: یا اباذر، ساعتی نشستن در مجلسی که در آن گفتگوی علمی باشد، در نزد خدا بهتر و محبوب‌تر است از بیداری هزار شب، که در هر شب هزار رکعت نماز خوانده شود. این خیلی سخن عجیبی است؛ حالا آن شخصی که از این پاداش و نتیجه و ثمره بهره‌مند می‌شود، طبق این بیان لزومی ندارد که خودش در گفتگوی علمی

شرکت کند؛ بلکه می‌فرماید نشستن در مجلسی که در آن گفتگوی علمی صورت می‌گیرد؛ یعنی در آن مجلس بنشیند و از آن استفاده کند. این روایات از معصوم (ع) صادر شده که به خطا و غفلت و اشتباه و سهو و نسیان از او صادر نمی‌شود. اگرچه ممکن است سند این روایت به قوت برخی از روایات دیگر نباشد، اما این مضمون در بسیاری از روایات وجود دارد؛ یعنی به تواتر معنوی انسان یقین دارد که این مضمون از معصوم (ع) صادر شده است. ساعتی نشستن در مجلسی که در آن گفتگوی علمی باشد، بهتر است از بیداری هزار شب؛ خیلی عجیب است! چرا چنین مقایسه‌ای صورت می‌گیرد که نشستن در مجلسی که در آن گفتگوی علمی صورت می‌گیرد، از بیداری هزار شب که در هر شب آن هزار رکعت نماز خوانده شود، بالاتر است؟ گاهی یک عالم و اهل معرفت شب‌زنده‌داری دارد و در هر شب هزار رکعت نماز می‌خواند، آنجا امتزاج علم و معرفت با بندگی و تسلیم در برابر خداست؛ برای این اصلاً نمی‌توان حدی تصور کرد. عبادتی که از روی علم و معرفت و آگاهی نباشد، نه اینکه بی‌ارزش باشد اما قابل مقایسه نیست با عبادتی که این چنین نباشد. شب قدر مهم‌ترین شب و شب تعیین مقدرات سال انسان است؛ انسان با تضرع و خضوع و خشوع در پیشگاه خداوند می‌تواند در مقدرات خودش تأثیر بگذارد. اگر تأثیر نداشت، این همه نمی‌گفتند دعا کنید؛ این همه نمی‌گفتند توسل به امام زمان (عج) پیدا کنید تا بتوانید در مقدرات خودتان تأثیر بگذارید. بدون تردید انسان می‌تواند در شب قدر، با تسلیم و بندگی و عبادت و خضوع و خشوع و گریه و زاری، در مقدرات خودش تأثیر بگذارد. اما همین شب قدر با همه اهمیتی که دارد، گفتگوی علمی در آن شب توصیه شده است. البته منظور از گفتگوی علمی، مطلق گفتگوی علمی نیست؛ گفتگوی علمی باید شرایط خودش را داشته باشد. اگر کسی برای ریا و شهرت، برای مجادله کردن و به رخ کشیدن خودش به دیگران، با این اغراض و نیات گفتگوی علمی کند، نه تنها ارزشی ندارد بلکه این خودش باعث سقوط است. گفتگوی علمی باید واقعاً برای کشف حقیقت باشد؛ ممکن است یک گفتگوی علمی مستقیماً مربوط به معرفت خدا، توحید و معارف الهی باشد؛ ممکن است یک گفتگوی علمی با وسائلی مربوط به معرفت خدا باشد؛ حالا اگر در مقدمات بحث صورت بگیرد، باز هم همان است؛ مآلاً همان گفتگوی علمی مشمول این روایت است. فکر نکنیم که این گفتگوی علمی باید مستقیماً و صراحتاً مربوط به معرفت خدا و توحید باشد؛ حالا یا مستقیم یا غیر مستقیم، یا بی‌واسطه یا با واسطه. ساعتی نشستن در مجلسی که در آن گفتگوی علمی باشد، بهتر است از بیداری هزار شب که در هر شب هزار رکعت نماز خوانده شود. شما همین یک جمله را در نظر بگیرید؛ چون این روایت ادامه دارد و پیامبر گرامی اسلام (ص) چند فراز در این روایت نقل کرده که انسان مبهوت می‌شود و در حیرت فرو می‌رود. اگر ما به درس و بحث‌هایمان از این زاویه نگاه کنیم، زندگی ما زیر و رو می‌شود؛ صبح که می‌خواهیم به سمت درس و بحث بیایم، با کسالت و خستگی نمی‌آییم. اگر انسان این قصد و نیت را داشته باشد، مشمول این کلام و روایت است. هر جلسه درس و مباحثه و حضور در محافل علمی این ارزش را دارد؛ ما به راحتی این جلسات درسی را ترک می‌کنیم و آنها را نادیده می‌گیریم. من کلی عرض می‌کنم؛ اصل حضور در درس‌ها و مباحثات و وقت گذاشتن در جلسات علمی ... کأن ما دنبال بهانه‌ای هستیم که درس نرویم؛ مثلاً می‌گوییم کار اداری داشتیم. بله! یک وقت الزام و ضرورت است، این بحثی نیست؛ کار اداری را هم ساعت ۱۰ - ۱۱ می‌توان انجام داد تا با کلاس تداخل نداشته باشد. این اولویت نباید از دست برود؛ من عرض کردم که علی‌رغم همه مشکلات و سختی‌ها و گرفتاری‌ها، باید اشتغال علمی داشته باشیم. من از نزدیک می‌بینم که زندگی برای طلاب و فضلاء گرامی چقدر مشکل شده است؛ من اینها را قبول دارم و بدون ملاحظه اینها سخن نمی‌گویم. این مطلبی که

حضرت فرموده، باید نشاط و انگیزه ما را بیشتر کند. هر جلسه درسی می‌تواند مشمول این روایت باشد. می‌فرماید: یا اباذر! ساعتی نشستن در مجلسی که در آن گفتگوی علمی باشد، در نزد خدا محبوب‌تر و بهتر است از بیداری هزار شب که در هر شب آن هزار رکعت نماز خوانده شود. ما کجا می‌خواهیم چنین چیزی بدست بیاوریم؟ این با چه چیزی قابل مقایسه است؟ چه چیزی می‌تواند جایگزین این ارزش شود؟ برنامه‌های روزانه و هفتگی و ماهانه خودمان را ببینیم؛ حتی برنامه‌های سالانه خودمان را ببینیم؛ چه کاری می‌توانید جایگزین این شود؟ شما اگر تمام شب‌های یک سال را بیدار بمانید، می‌شود ۳۶۵ شب.

ادامه روایت را دقت کنید؛ حضرت می‌فرماید: محبوب‌تر است از هزار جهاد در راه خدا. هیچ عملی با جهاد نمی‌تواند برابری کند؛ مجاهد فی سبیل‌الله و کسی که در راه خدا جهاد می‌کند، به بالاترین درجات می‌رسد. بله، یک بخشی از این ناظر به کسانی است که عبادت و جهاد بی‌معرفت دارند؛ یعنی حضرت می‌خواهد بفرماید که اگر هزار شب هم بیدار بمانید و در هر شب هزار رکعت نماز بخوانید، اگر آمیخته و ممزوج با معرفت نباشد، نمی‌تواند چندان به نفع شما و سودمند باشد. جهاد هم همینطور است. جهاد با معرفت، عبادت از روی معرفت و آگاهی ... یکی از وجوه فضیلت امیرالمؤمنین(ع) همین معرفت اوست؛ چرا عبادت امیرالمؤمنین(ع) با عبادت ما فرق می‌کند؟ برای اینکه امیرالمؤمنین(ع) به مرتبه‌ای رسیده که می‌فرماید: «لَوْ كُشِفَ الْغُطَاءُ مَا ازْدَدْتُ يَقِينًا»، اگر همه پرده‌ها کنار برود، بر یقین من چیزی افزوده نمی‌شود. معلوم است کسی که با آن یقین در مقابل خداوند بایستند و عبادت کند کجا، و عبادت مثل من بیچاره کجا. کسی که آن یقین را دارد، وقتی در برابر خدا قرار می‌گیرد، بدنش می‌لرزد و رنگ از رخساره‌اش می‌پرد و چهره‌اش زرد می‌شود. شما به حالات ائمه(ع) نگاه کنید؛ در احوال ائمه(ع) نقل کرده‌اند که هنگامی که وقت نماز نزدیک می‌شد و از آن وقتی وضو می‌گرفتند و برای نماز آماده می‌شدند، انگار در این دنیا نبودند. این زائیده معرفت و یقین آن وجودات مقدسه است؛ آنها با آن معرفت و آگاهی و با شناختی که نسبت به حق تعالی داشتند، وقتی در برابر خداوند تبارک و تعالی قرار می‌گرفتند، از خود بی‌خود می‌شوند و رنگ از صورت‌شان می‌پرد و لرزه بر اندام آنها می‌افتاد؛ نه از آن جهت که نعوذ بالله یک موجود ترسناک می‌بیند؛ نه! عظمت خداوند آنها را دچار یک خلسه روحی می‌کرد؛ این از روی آگاهی و معرفت است. هر قدمی که ما برداریم برای اینکه معرفت و شناخت خودمان را بالا ببریم و به یکی از ابعاد و شئون دین و خداوند تبارک و تعالی و انسان‌های الهی مثل نبی مکرم اسلام(ص) و اولیاء مطهرش معرفت پیدا کنیم، این با هیچ چیزی قابل مقایسه نیست.

اگر ما همین درس و بحث عادی و روزمره، مطالعه‌ای که در منزل می‌کنیم یا مطلبی را گوش می‌دهیم را با همین نگاه بگذرانیم، چنین ارزشی پیدا می‌کند. حالا شما حساب کنید هر روز ۲ - ۳ ساعت در این مجالسی که گفتگوی علمی می‌شود، حضور دارید؛ درست است فقه و اصول است، درست است درباره برائت و اشتغال و استصحاب است، اما اینها ابزار برای معرفت بیشتر است؛ کلام و تفسیر هم همینطور است. این رفتاری ما مصداق روشن و بارز از دست دادن فرصت‌ها است؛ مگر از دست دادن فرصت چیست؟ وقتی که ما یک منفعت مالی را از دست می‌دهیم، خیلی افسوس می‌خوریم و متأسف می‌شویم؛ همین الان قیمت‌ها لحظه‌ای بالا می‌رود. حال اگر یک چیزی که مورد نیاز زندگی روزانه شماست را نخرید، فردا گران می‌شود و با خودتان می‌گویید ای کاش دیروز آن را خریده بودم و ضرر نمی‌کردم و ارزان‌تر خریده بودم. برای از دست دادن چند هزار تومان پول، خیلی از ما افسوس و تأسف می‌خوریم؛ ولی باور می‌کنید که ما - البته خودم را می‌گویم و ان شاء الله شما اینطور نیستید - برای از دست

دادن فرصت‌های علمی و فرصت نشستن در مجالسی که گفتگوی علمی در آنها صورت می‌گیرد، افسوس که نمی‌خوریم هیچ، بلکه گاهی وقت‌ها خوشحال می‌شویم. این حرف‌ها شوخی نیست؛ اینها نقل روایت است و من معتقدم مضمون و معنا و محتوای این روایت متواتر است و به صدور چنین مطلبی قطع داریم. اینکه می‌بینید گفته‌اند فضل العالم علی العابد کذا و کذا، یا یک ساعت تفکر از هفتاد سال عبادت بالاتر است، همین است. تأسفی که ما به خاطر از دست دادن این فرصت‌ها می‌خوریم، برای از دست دادن درس و بحث و گفتگوی علمی نمی‌خوریم. برای اینکه به این چیزها آنطور که باید و شاید توجه نمی‌کنیم.

می‌خواستم کمی هم درباره رسالت فضلا و طلاب در این شرایط و موقعیت سخن بگویم، که حالا ان‌شاءالله عرض خواهم کرد. حالا خودتان به این روایت مراجعه کنید؛ حضرت می‌فرماید: ساعتی نشستن در یک مجلسی که در آن گفتگوی علمی صورت می‌گیرد، از دوازده هزار مرتبه ختم قرآن، عبادت یک سال که روزهای آن را روزه بگیرد و شب‌ها را احیا بدارد، محبوب‌تر است؛ اصلاً آدم متعجب می‌شود که داستان چیست. چون اساس شخصیت انسان و جهت‌گیری زندگی او، برنامه‌های او، آینده او، سعادت و دنیا آخرت او در گرو معرفت و علم است. حالا هر کسی به حد توان و استعداد خودش باید تلاش کند؛ ولی مهم این است که برای کسب معرفت تلاش کند. در همین روایت دارد: هر کسی از خانه خود بیرون رود به قصد اخذ مسئله‌ای از مسائل علمی، ... این در ادامه آن است و دقیقاً مؤید همان است که من عرض کردم که گفتگوی علمی یک معنای عام دارد؛ همه این درس و بحث‌ها و خواندن‌ها ... می‌فرماید برای اینکه یک مسئله‌ای از مسائل علمی را اخذ کند، برای هر قدمی که برمی‌دارد خدا برای او چه حسنات و پاداش‌هایی مقرر کرده است. ما گاهی صبح که از خانه بیرون می‌آییم، یادمان می‌رود که می‌خواهیم به کجا برویم و چه کار کنیم؛ اصلاً غفلت داریم؛ طبق عادت به مدرسه می‌آییم و چهار نفر را می‌بینیم و به خانه برمی‌گردیم. بگوییم خدایا، من دارم می‌روم به خاطر همین چیزهایی که تو گفتی ... وقت گذشته است؛ ان‌شاءالله درس بعدی توضیح خواهم داد.

«والحمد لله رب العالمین»